

زینب گبری سے پیام آور عاشورا

نویسنده

سماعیل منصوری لاریجانی



شرکت چاپ و نشر بین الملل

نام کتاب: زینب کبری (علیها السلام) پیام آور عاشورا

نویسنده: اسماعیل منصوری لاریجانی

نوبت چاپ: اول - پائیز ۱۳۹۳

گرافیک، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

شمارهگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۹۰۰ ریال

صفحه ها: ۱۶۰ بهری ابراهیمی

طراحی: مرتضی امین

مسئول تولید: شریف نایسته

شابک: ۹۷۸-۶۰۳-۶۶۴-۳۰۴-۹۷۸

شرکت چاپ و نشر

دفتر مرکزی:

تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲۰

طبقه ی سوم

تلفن: ۳۳۹۲۲۹۵۹ - ۰۲۱

نمابر: ۳۳۹۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:

میدان فلسطین، ضلع شمال شرقی، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۸۸۹۴۲۹۸۰ - ۰۲۱

نمابر: ۲۸۴۲ - ۸۸۹

email: intlpub@indpub.ir

www: intlpub.ir

سرشناسه

عنوان و نام پدید آور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

شماره افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۸۰۵۷۶

منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۳۷

زینب کبری پیام آور عاشورا / مولف: اسماعیل منصوری لاریجانی

تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۳

۱۵۶ ص

۹۷۸-۶۰۳-۶۶۴-۳۰۴-۹۷۸

عنوان دیگر: زینب کبری علیها السلام پیام آور عاشورا

کتابنامه: ص ۱۵۳

زینب کبری علیها السلام پیام آور عاشورا

زینب (س) بن علی (ع)، ۶-۶۲ ق

سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل

BP ۵۲/۲/۹ م ۷۸ ۱۳۹۳

۲۹۷/۹۷۴

۳۵۸۰۵۷۶

همه حقوق محفوظ است هرگونه نسخه برداری، اعم از زیورآکس و بازنویسی، ذخیره ی کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در مجومه در مستند نویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹		مه
۱۷		فصل اول: زندگی فردی زینب کبری (ع)
۱۹		زندگانی دین زینب کبری (ع)
۱۹		ولادت
۲۰		تربیت
۲۱		علم زینب (ع)
۲۴		عبادت زینب (ع)
۲۷		زهد زینب (ع)
۲۹		۱. استقامت در برابر حوادث
۳۲		۲. زندگی با عبدالله بن جعفر
۳۴		ازدواج زینب (ع)
۳۵		سفرهای زینب (ع)
۳۹		فصل دوم: حیات سیاسی
۴		صلح امام حسن (ع)
		۱. موقعیت سیاسی
۴۳		۲. خیانت سست عنصران سپاه امام حسن (ع)
۴۵		۱. خرید فرماندهان
۴۶		۲. شایعه صلح امام حسن (ع)
۴۷		غارت خیمه امام مجتبی (ع)

۴۹.....	ترور یا اسارت.....
۵۲.....	۱. توجه دادن مسلمانان به روح و باطن عبادات.....
۵۳.....	۲. ترور حضرت.....
۵۳.....	۳. حفظ قداست حرم امن الهی.....
۵۴.....	ویژگی های اجتماعی و فرهنگی زمان معاویه.....
۵۴.....	۱. اظهار کفر معاویه.....
۵۶.....	اول، جعل حدیث درباره فضایل بنی امیه.....
۵۶.....	نوم، سرکوب کردن شیعیان از بیت المال.....
۵۷.....	سوم، ترور سب و لعن حضرت علی (ع).....
۵۸.....	۲. سرکوب کردن شیعیان به گونه مخالفت و اعتراض.....
۵۹.....	۳. تعیین یزید بن معاویه جانشین پس از خود.....
۳۶.....	فصل سوم: قیام
۶۶.....	اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر.....
۷۳.....	خروج امام حسین (ع) از مکه.....
۷۶.....	ویژگی های قیام خونین امام حسین (ع).....
۷۹.....	فصل چهارم: زینب و قیام امام حسین (ع)
۸۱.....	زینب (ع) و شهر کوفه.....
۹۳.....	خطبه حضرت زینب (ع) در کوفه.....
۹۵.....	صفات مردم کوفه از زبان زینب (ع).....
۹۵.....	۱. اهل خُدعه و تزویر.....
۹۵.....	۲. بی ایمانی.....
۹۶.....	۳. چاپلوسی و تملق.....
۹۷.....	۴. حیات بیهوده.....
۱۰۶.....	نبرد با عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه.....
۱۱۳.....	عزیمت کاروان به شام.....

۱۱۴	نبرد با یزید بن معاویه
۱۱۶	خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید
۱۱۷	اصول مبارزه زینب علیها السلام
۱۱۸	۱. شکست دشمن در تداوم مبارزه
۱۱۹	۲. افشای ماهیت دشمن
۱۲۳	۳. نبی نداشتن مرگ
۱۲۸	۴. پوشالی دانستن قدرت دشمن
۱۳۲	۵. راندن دشمن و اضطراب به خود
۱۳۴	۶. جاودانگی آثار مبارزه
۱۳۶	۷. هدف داری
۱۳۹	بازتاب خطبه زینب
۱۴۳	حرکت به سوی مدینه
۱۴۸	پایان زندگی زینب علیها السلام
۱۴۸	مرقد مطهر زینب علیها السلام
۱۵۱	حُسن ختام
۱۵۳	منابع

مقدمه

«وَمِنْ نِّاتِهِمْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و از نشانهای او بود که آن است که از خود شما، برایتان جفت‌هایی آفرید تا در پناه آن، آرامش و کنش بین شما محبت و مهربانی قرار داد.

درباره زن و حقوق او، نویسندگان، کتاب‌ها و مقاله‌های نسبتاً فراوانی نوشته‌اند و هرکسی براساس نوع نگرش خود به اساس و جامعه، تفاسیری از آن ارائه داده است؛ ولی به جرئت، می‌توان گفت در هیچ‌یک از آن مجامع و محافل مذهبی دفاع از حقوق بشر، حق زنان آدا نشده است. در این بین، فقط مکتب حیات‌بخش اسلام در ادعای خود صادق است. بی‌شک روشن‌شدن مطلب، نگاهی اجمالی به تاریخ زن در ادوار گذشته می‌اندازیم تا اسلام چگونه آن یگانه مکتب معرفت شخصیت زن و حریم مستحکم دفاع از حقوق وی به طرح معرفی شود. در دوران توحش و بربریت، ارزش زن در حد حیوانات و اثاث محسوب بود و فقط برای ارضای شهوات و انجام کارهای پست و بی‌ارزش از او بهره‌برداری می‌شد؛ همچنین، به انجام کارهایی مجبور می‌ساختند که مغایر طبیعت و سرشت او بود. در مقابل، حتی از حقوق بسیار کم اجتماعی و مزایای انسانی محروم بود؛ بدین‌صورت که نه تصرفی در خانه و ثروت داشت و نه اختیاری در تربیت فرزندان و نه از نعمت علم و دانش بهره‌مند بود. زن در حد ابزاری بی‌اراده، در دست شوهر

اسیر بود. گفتنی است در عصر قبایل نیمه وحشی، حتی اعتقادات شومی درباره زن وجود داشت که جوامع، عمل به آن را جزو وظایف مذهبی خود می دانستند. آنچه از مجموع این تفکرات برمی آید، فقط نادیده گرفتن حق و حرمت زن نیست؛ بلکه این طرز تفکر درباره اصل وجود زن نیز قضاوتی نارواست؛ برای مثال، از جمله تفکراتشان این بود که زن را آفریده شیطان می دانستند و برای او روح انسانی و آخرتی قائل نبودند. علاوه بر این، او را مظهر پلیدی و ابزار اغوای شیطان می پنداشتند؛ لذا آزردن او را بهترین عمل در پیشگاه پروردگار قلمداد می کردند. در این روش دختران را زنده به گور می کردند تا دامنه این شیطنیت وسعت پیدا نکند. در جوامع اروپایی زن به عنوان انسان شناخته شده بود؛ اما همچنان از مزایای اجتماعی محروم بود. در این جوامع، برای زن ها حتی حقوق فردی قائل نبودند. آنان حق انتخاب شغل را نیز از او سلب کرده و دختران را به ازدواج با افرادی اجبار می کردند. والدین می پسندیدند، زن ها تصرفی در اموال و اولاد خود نداشتند. در کارهای خانوار به عنوان ابزار، از آن ها استفاده می شد.

بعد از انقلاب صنعتی و ظهور کارخانه ها، سرمایه داران با کمبود نیروی انسانی ارزان مواجه شده بودند؛ لذا با تبلیغات دروغین و استفاده از شعار فریبنده تساوی زن و مرد، زنان را از محیط خانواده و زراعت به شهرها و مراکز صنعتی کشانیدند. متأسفانه، دیری نپایید که کار خسته کننده و طاقت فرسا بر پای دستگاه های عظیم صنعتی و استفاده نامشروع و رفتار ناروای مردان با آن ها، مردان را از هر نوع انگیزه و سلامت اخلاقی و عاطفی محروم کرد.

در چنین وضعیتی، این موجود شریف در جو آلوده به انواع فساد و بی دفاع دید و احساس کرد همه چیز خود را از دست داده است. ازسویی، مانند جری از او بار می کشیدند و انواع ستم را بر او روا می دانستند؛ از سوی دیگر، باید دوشادوش مردان و بیشتر از آنان کار می کرد و مزد ناچیزی می گرفت؛ ضمن اینکه اسیر دست افراد هوسران بود و اعتراض هم نمی کرد.

وقتی دنیای غرب برای فروش کالاهای خود، جهان سوم را بازاری مناسب

یافت، ابتدا، در سایه تبلیغات دروغین، ملل عقب نگه داشته شده را شیفته تمدن خود ساخت؛ سپس، این اغواگری را به آنجا رساند که ملل جهان سوم همه الگوها و اصالت‌های ملی و فرهنگی خود را فراموش کردند و تسلیم بی‌چون و چرای افکار جهان غرب شدند. کار بدان جا رسید که در کنار استقبال از فرآورده‌های صنعتی، اخلاق و فرهنگ غربی را بدون هیچ تأملی پذیرفتند و آداب و سنن ملی و مذهبی خود را از غرب تقدیم کردند و جالب اینکه این بندگی و حلقه به گوشی را افتخار خود می‌دانستند.

قربانی‌های بسیاری برای استعمار فرهنگی غرب، زن است. نظام سرمایه‌داری برای داغ‌تر کردن بازار مصرف تصمیم گرفت همه قوا و امکانات جهان را به استخدام خود درآید. این منطور، مسئله «جنسیت» را که قوی‌ترین نیروی غریزی در انسان است، در هر سطحی برنده‌تر یافت؛ بنابراین، بدون هیچ درنگی، فرهنگ جنسیتی و برهنگی را ترویج کرد؛ حتی، در مقابل اخلاق، هنر و عشق و زیبایی را که ترجمان عالم معنوی هستند، در خدمت تمایلات مادی دنیاپرستان حریص قرار داد.

سراب آزادی و شعار فریبنده تساوی حقوق زن و مرد، محصولی جز درافکندن زن به وادی پوچی و نیست‌انگاری و قربانی‌کردن به سودخانه او به پای پول و سرمایه نداشت.

اکنون با بیان این خلاصه، ادعا می‌کنیم اسلام تنها مکتبی است که به زن شخصیت داده و برای او ارزش فردی و اجتماعی قائل شده است. سر اسلام، ویژگی‌های عاطفی و اخلاقی زن مسلمان و نیز موضوع حجاب، سنگ بنای حفظ و حراست از این ویژگی‌هاست که تفصیل آن از حوصله نوشتار ما خارج است. فقط در اینجا، متعرض نکته‌ای می‌شویم که طرح آن ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه زن سرگردان و تحقیر شده که همه سرمایه‌های معنوی و عاطفی او غارت شده است، برای نجات خود، راهی جز تمسک به اسلام علوی نخواهد داشت. زن باید بداند که فراگیری تعلیمات اسلامی و غرق شدن در قاموس فرهنگ قرآن و

سنت نبوی است که متضمن سعادت و خوشبختی او در جوامع بشری خواهد بود. اکنون، برای بشر زمان آن فرارسیده است که روش زندگی متأثر از تبلیغات دروغین و فرهنگ وارداتی محافل استعمار را کنار گذارد و بنیان حیات خود را بر واقع بینی استوار سازد. باید دانست آنان که حیات اسلام را مغایر منافع و اهداف بلید خود می بینند، امروز با همه توان خود، به جنگ اسلام آمده اند و برای ادامه زورمداری خود، به هر حربه ای تمسک جسته اند. از جمله این حربه های قدیمی، معرفی کردن اسلام به عنوان مکتبی سنتی و ناتوان در مقابل نیازهای گوناگون

بشر است. به حال آنجا که مذهب منحرف کلیسایی عامل پیدایش فرویدیسم و دیگر مکتب های باطل در غرب شده، باید حساب اسلام را از آن جدا کرد. اسلام به عنوان مکتب فراگیر، ویژگی هایی منحصر به خود دارد؛ بدین صورت که در زمینه آزادی و ادای حقوق زن و مرد و حضور فعال آن ها در صحنه اجتماع، به گونه ای برخورد می کند که حتی انجمن های مسیحی می باید اعتراف کنند؛ ضمن اینکه همواره بر حفظ شئون زن تأکید می کند.

با نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام و بررسی زندگی زنان نامدار، به صحت این ادعا پی خواهیم برد. بررسی ابعاد زندگی حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان بانوی بزرگ اسلام کافی است که نظر اسلام را به زنان و حقوق او روشن سازد. فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام در محیط خانه، نمونه اعلا ی زن خانه گردان و در اداره خانواده و تربیت فرزندان، از مسائل بسیار ظریف تربیتی غفلت نکرد. در عشق و خلوص و تقوا در تمامی شئون زندگی ایشان ساری و جاری بود. ایشان در محیط جامعه، مظهر یک فرد مسئول در مقابل سرنوشت مردم بودند. از دیگر سو، همواره در طول تاریخ، فریاد ایشان علیه منحرفان و غاصبان خلافت، طنین انداز است. نمونه بارز ظلم ستیزی حضرت فاطمه علیها السلام قضیه فدک بود. فدک در حقیقت، وسیله ای برای سازش نکردن و تسلیم نشدن در برابر زور و باج خواهی حکام جور بود؛ اما روح قضیه، حضور حضرت فاطمه علیها السلام در صحنه های مهم اجتماعی و سیاسی و

بی اعتبار دانستن انتخابات سقیفه و دفاع از حریم ولایت و امامامت و ایفای نقش فعال سیاسی است.

باید از این قضایا درس گرفت و آن را به عنوان ملاک و دلیلی بر مسئول بودن زن مسلمان در جامعه مطرح کرد. در اینجا، باید از افراد آگاه و بی تعصب پرسید: زنی که با یک نهیش، پشت دشمن را می لرزاند، با زن پیشرفته امروزی یسار فاصله است؟ آیا زنی که ارزشش از پیچ و مهره دستگاه صنعتی کمتر است و است و اعتبار خود را به پای سرمایه داری لجام گسیخته جنسی باخته است، واقعاً خود را می داند؟

شخصیت زنی در دگرگونی که حق او در تاریخ اسلام به خوبی ادا نشده، سفیر کربلا، حضرت زینب علیها السلام است. به درستی که بررسی ابعاد زندگی سرتاسر حماسه و افتخار سفیر کربلا علیها السلام برای است بر یاوه سرایی های قلم به داستان مزدوری که زن مسلمان را محصور در چهار دیوار و اسیر کنج خانه می دانند. حضور زینب علیها السلام در عظیم ترین حادثه حماسی تاریخ، دیگر جای برای تأمل و طرح پرسش های شبهه آمیز نخواهد گذاشت.

در آفاقی تیره و عصری ظلمانی و در جو خفقان و هراس که هر نوع انسانیت و دغدغه های وجدانی در دشمن مُرده بود، تازیانه علیها السلام است زنی شجاع آشکار شد و بر پیکر سفاک ترین رژیم زمان فرود آمد. آمد ایشا علیها السلام به دامن کشیدن پرچم نهضت کربلا، بدون هیچ ترس و تزلزلی به دشمن تاخت و تازید. به اصطلاح پیروزی را در کام او، به زهر کشنده مبدل کرد.

حضرت زینب علیها السلام به ظاهر، اسیری در بند است؛ اما مهیب فریادش در غایت ستمگران فرود آمده و بذر اندیشه و نهضت برادرش، امام حسین علیه السلام از دامن علیها السلام در هر جایی پراکنده شده و شجره طیبه کربلا در تاریخ به دست او سایه گستر شد. حتی کسانی که دین ندارند، در برابر آزادی و صلابت بی نظیر او سر تعظیم فرود می آورند. این همه شگفتی ثمره حیات پربرکت و مبارزه دلیرانه زنی آگاه و مسئول است که در دامن اسلام، با اندیشه و فرهنگ علوی پرورش یافته است.

اینک، نکته گفتمانی برای زن گرفتار در بند فرهنگ غرب این است که برای نجات از وضعیت ناهنجار زندگی که او را تا حد پست‌ترین قربانی در پای هوس شکم‌پرستان تنزل داده است، مطمئناً زندگی حضرت زینب علیها السلام خواهد بود. آشنایی با القای زندگی آن حضرت و بنای حیاتی نوین بر پایه ملاک‌ها و الگوهایی که آن بزرگوار ارائه داده است، به قطع، زن را به دنیای عظیم معرفت و اندیشه اسلامی می‌کشاند؛ تا آنجا که او را بر منظری بلند می‌نشانند و قله‌های رفیع اخلاق و انسانیت را در چشم‌انداز او قرار می‌دهد. به برکت تقوا و نجابت، امنیت درون او را تأمین می‌کند و حریم عفاف و پاک‌دامنی او را با سلاح غیرت و جسارت حفظ می‌کند. در سایه تعالیم آن بزرگبانو، خویشتن خویش را در چشمه زلال عاطفه پدیدار می‌کند و در پرتو فروغ عشق به آن بزرگوار، امید و شور زندگی را به خود بازمی‌بخشد.

این واقعیت را باید امسک کرد که زن امروز از وضع موجود نگران است. از معاملات ناجوانمردانه نظامی و محکم نوع نگرش و رفتار محافل قدرت خسته است و از بی‌احترامی‌ها و بی‌توجهی‌ها به شخصیت خود از سوی هرکسی درد می‌کشد؛ اما نه توان فریادزدن دارد و نه حالت اعتراض. او کسی را می‌خواهد که سرمایه‌های ازدست‌رفته‌اش را به او برگرداند و راه‌رسم زندگی درست و آزموده‌شده را به او نشان دهد. به بیانی، او شنای آگوستینوس؛ الگویی که در او انگیزه ایجاد کند و او را با رایحه عشق و اعتلا به دنبال خود ببرد.

تسکین دردهای زن امروز در زندگی پربار زینب کبری علیها السلام نهفته است؛ زیرا زینب علیها السلام معنای شخصیت و ارزش زن است؛ تفسیر حرمت و احترام است؛ اوست؛ روح هر فریاد و ستیز حق طلبانه است. تکرار نام او به عنوان ذکر برای تسکین دردهای زنان، بلکه مردان را نیز به میدان جهاد و مبارزه فرامی‌خواند و نسیم حیات‌بخش شهادت و شجاعت را بر ارواح بی‌رمق می‌دمد.

درخشش زینب کبری علیها السلام، شیرزن آل عصمت و طهارت، در برهه‌ای کوتاه از تاریخ، وقایع و حوادث را رقم زد که از آن، جز به اعجاز و شگفتی نمی‌توان تعبیر

کرد. رهبری نهضت خونین برادر و جنگ تبلیغی با تحریف گران حقیقت عاشورا، دلجویی از کودکان و زنان داغ دیده، حفظ تعادل و ثبات روحی، فریادهای بلند علیه دژخیم زمان، تحمل سختی اسارت، گرسنگی و خستگی طاقت فرسا و... همه، از افتخارات منحصر به فرد زنی است که از مادری معصوم شیر نوشیده و در مهد اسلام پرورش یافته است.

آری ای زن امروزی، در حال حاضر، مدعیان دفاع از حقوق زن، حصار حرمت تو را شکسته اند و به اسم تمدن، همه چیز را از تو گرفته اند! تو را مرعوب و ذلیل ساختند و راعی خانه را در نهان خانه ضمیرت خاموش کرده اند! محبت مادری را از تو سلب کردند و شکوه و شوکت تو را به زیر پای اطفای شهوات و ارضای امیال کثیف شیطانان رسانیدند! زور قربانی کرده اند! پس اینک باز آی و زیر سایه فرهنگ و اندیشه بلند بنات انوایی که برای حفظ شرف و انسانیت تو، تن به طوفان بلا سپرده است، حیمه بزرگ مبارهای زندگی خویش را بر مبنای اصولی که سفیر کربلا با مدد از سرخی شهیدان و تجربه اسارت بنیان نهاده، استوار ساز. بدان که زینب علیها السلام الگویی جاودا است که در هر زمان و موقعیتی می تواند چراغ راه همه ما باشد! این الگو با تغییر نظام های سیاسی دگرگون نمی شود. آنچه زینب کبری علیها السلام به بشریت عرضه کرده، به نسل های مختلف و نسل ها و شخصیت های حق طلب تعلق دارد. هر جا ظلم است و مظلومی در گلویش می شکند، زینب علیها السلام در آنجا حضور دارد. آری، او وارث همه عالمها و فریاد همه روزگاران است.

اگر ذره ای از غیرت و جسارت سفیر کربلا در جامعه دمیده شود، در گنج شجاعت و شهامت آراسته می شدیم. اگر زورگویان و ظالمان به هست و نیست می تازند، بدان سبب است که روح شهامت و جسارت در ما مُرده است و دشمنان با انواع دسیسه ها، شخصیت های حرکت آفرین و فریادگری همچون علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام و زینب علیها السلام را از مسیر زندگی ما محو کرده و ما را به سرگرمی های ناپایدار و خفت زای این دنیا مشغول ساخته اند. در این راستا، دوستان

و طرفداران ناآگاه نیز با دفاع‌های نابجا و تبلیغات آمیخته به اعمال سلیقه‌ها و نظرها ما را از درک واقعیات محروم ساخته‌اند.

اکنون، بر ماست که این القائات را از ذهن پاک کنیم و پردهٔ تعصب را از چشم
به دور افکنیم و زحمت تحقیق را بر خود هموار سازیم تا به حقایق تاریخ آنها
آشنا شویم.

مجموعهٔ این نوشتار که به قلم این کمترین در دوران هشت سال دفاع مقدس نگارش یافته است، گوشه‌هایی از زندگی پرحماسه و پرحادثهٔ بزرگ‌بانویی است که در آن گونه که شایستهٔ مقام اوست، ادا نشده و مظلوم‌تر از مظلوم و تنهاتر از تنهادر تیغ مانده است. آنچه آن بزرگوار در صفحات تاریخ، با قوت تمام نگاشته و در سخت‌ترین وضعیت زمانی، از تکمیل آن غفلت نفرموده، متأسفانه، نه تنها به متن زندگی اشاره نکرده بلکه در سایهٔ غفلت دوستان و توطئهٔ دشمنان در ابهام محصور مانده است. گمان در دستاران آن بزرگوار نیز منش او را در گریه و ناله و شیون‌های زنانه خلاصه کرده‌اند. در این بین، افراد فرصت‌طلب هم از موقعیت سوءاستفاده کرده و با سوداگری بر سر، بر شمار دکان‌های خود افزوده‌اند.

در این نوشتار سعی کرده‌ایم بهره‌ایم واقعاً این بانوی بزرگوار را حتی المقدور بشناسانیم تا زنان و مردان مسلمان و همه انسانان جهان در انتخاب الگو به پیراهه نروند و دل و جان به کسی بپارند که چنین صفاتی بلندتر و فراتر از تاریخ است. امید است که موردقبول خوانندگان واقع شود. شواهد و حواشی این اثر را به خانواده‌های معظم شهدا و مفقودالائرها و جانبازان و همه کسانی که رسالت زینبی را بر دوش خود احساس می‌کنند؛ تقدیم می‌دارم، امید آنکه به کربلای حسینی و شهدای هشت سال دفاع مقدس از ما راضی و خشنود باشد.

اسماعیل منصوری لاریجانی

1392/V/12